Your English Toolbox

VOCABULARY · EPISODE 228

Why Do We Get Goosebumps? | Curious English

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

goosebumps

پوست‌مرغی · سیخ شدن مو

DEF

Small raised bumps that appear on the skin when someone is cold or strongly moved.

Usually used in the plural; say have or get goosebumps, or something gives you goosebumps.

FA

برجستگی‌های کوچکی که از سرما یا احساس شدید روی پوست ظاهر می‌شوند.

این واژه در انگلیسی معمولا به صورت جمع و همراه have، get یا give someone goosebumps به کار می‌رود.

I got goosebumps when the choir started singing.

وقتی گروه همخوانی شروع به آواز خواندن کرد، مو به تنم سیخ شد.

The cold water gave her goosebumps.

آب سرد مو به تن او سیخ کرد.

2

shiver

لرزیدن · لرزش

DEF

To shake slightly, often because you are cold or frightened.

As a verb it describes the movement rather than the visible bumps on the skin; it can also be a noun.

FA

کمی لرزیدن، اغلب بر اثر سرما یا ترس.

در نقش فعل، حرکت را توصیف می‌کند نه برجستگی‌های قابل مشاهده پوست؛ می‌تواند اسم هم باشد.

He began to shiver in the cold wind.

او در باد سرد شروع به لرزیدن کرد.

She gave a little shiver when she heard the noise.

وقتی صدا را شنید، کمی لرزید.

3

get chills

احساس لرز یا مورمور شدن

DEF

To feel a sudden sensation of cold or excitement that moves through the body.

Chills can accompany strong emotion, but can also describe feeling cold when ill; context matters.

FA

احساس ناگهانی سرما یا هیجان که در بدن پخش می‌شود.

می‌تواند همراه احساسات شدید باشد یا به لرز هنگام بیماری اشاره کند؛ بافت جمله مهم است.

I get chills whenever I hear that song.

هر بار آن آهنگ را می‌شنوم، احساس مورمور می‌کنم.

He got chills as the audience began to sing.

وقتی تماشاگران شروع به آواز خواندن کردند، احساس مورمور کرد.

4

be covered in

پوشیده بودن از

DEF

To have something over much or all of a surface.

Often followed by a substance or many small things; the episode uses it for visible bumps.

FA

داشتن چیزی بر بخش زیادی از یک سطح یا تمام آن.

اغلب پس از آن نام یک ماده یا چیزهای کوچک متعدد می‌آید؛ اینجا منظور برجستگی‌های قابل مشاهده است.

Her arms were covered in goosebumps.

بازوهایش پر از برجستگی‌های پوست‌مرغی بود.

The path was covered in leaves.

راه از برگ پوشیده شده بود.

5

stand up

بلند شدن · ایستادن

DEF

To rise into an upright position.

In this episode the subject is a hair; the phrase also describes a person rising to their feet.

FA

به وضعیت عمودی درآمدن.

در این قسمت درباره مو است؛ برای ایستادن یک فرد هم به کار می‌رود.

The tiny muscles make the hairs stand up.

ماهیچه‌های ریز باعث می‌شوند موها بلند شوند.

Please stand up when your name is called.

لطفا وقتی نامت را صدا می‌زنند بایست.

6

trigger

محرک · عامل آغازگر

DEF

Something that causes a reaction or starts a process.

A trigger can be physical, emotional or environmental; it does not describe the reaction itself.

FA

چیزی که واکنشی را ایجاد می‌کند یا فرایندی را آغاز می‌کند.

محرک می‌تواند جسمی، احساسی یا محیطی باشد؛ خود واکنش نیست.

Cold can be a trigger for goosebumps.

سرما می‌تواند محرک سیخ شدن مو باشد.

For her, that melody is a trigger for a happy memory.

برای او، آن ملودی محرک یک خاطره خوش است.

7

exposure to

قرار گرفتن در معرض

DEF

The experience of being in contact with something or affected by it.

Followed by a noun or an -ing form; the episode discusses exposure to cold in a study on mice.

FA

تجربه تماس با چیزی یا تأثیر پذیرفتن از آن.

در انگلیسی پس از آن اسم یا فعل با پسوند ing می‌آید؛ این قسمت درباره قرار گرفتن موش‌ها در معرض سرماست.

Longer exposure to cold was studied in mice.

قرار گرفتن طولانی‌تر موش‌ها در معرض سرما بررسی شد.

Regular exposure to a language can help listening skills.

قرار گرفتن منظم در معرض یک زبان می‌تواند به مهارت شنیداری کمک کند.

8

overlap

هم‌پوشانی داشتن

DEF

To share some features or happen at the same time.

Experiences can overlap without being identical; shivering, chills and goosebumps are distinct but may occur together.

FA

داشتن ویژگی‌های مشترک یا هم‌زمان رخ دادن.

تجربه‌ها می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند، بی‌آنکه یکسان باشند؛ لرز، مورمور و پوست‌مرغی متفاوت‌اند اما ممکن است با هم رخ دهند.

Chills and goosebumps can overlap.

مورمور و پوست‌مرغی می‌توانند هم‌زمان رخ دهند.

Our two projects overlap in their goals.

هدف‌های دو پروژه ما با هم هم‌پوشانی دارند.